

نگرشی بر حقوق کیفری اطفال

www.ketab.ir

نویسنده: دکتر مهرنوش ابوذری

۱۳۹۶

سرشناسه	: ابوذری، مهرنوش، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: نگرشی بر حقوق کیفری اطفال / نویسنده مهرنوش ابوذری.
مشخصات نشر	: تهران: نشر مخاطب، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۹ ص.
شاب	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵-۵۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: اجرای عدالت کیفری کودکان و نوجوانان -- ایران
موضوع	: Juvenile justice, Administration of -- Iran
موضوع	: نوجوانان بزهکار -- وضع حقوقی و قوانین -- ایران
موضوع	: Juvenile delinquents -- Legal status, laws, et al. -- Iran
موضوع	: حقوق کودکان -- ایران
موضوع	: Iran -- Children's rights
موضوع	: بزهکاری نوجوانان -- ایران
موضوع	: Juvenile delinquency -- Iran
موضوع	: جرم‌شناسی -- ایران
موضوع	: Criminology -- Iran
رده‌بندی کنگره	: HV۷۶/۹۰۷۵الف/۲: ۸۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی	: ۳۶/۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۲۱۴۱۵



شهر مخاطب

نگرشی بر حقوق کیفری اطفال

نویسنده: - سر مهرش ابوذری

صفحه آرایشی: لیلا کاظمی

طراح جلد: الهه کاظمی

سال نشر: ۱۳۹۶

انتشارات: نشر مخاطب

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۰-۵۶-۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

دفتر مرکزی: تهران خ انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، پلاک ۲، واحد ۲، تلفن: ۰۲۱۶۹۵۸۲۲۵ - ۰۲۱۶۹۷۴۶۴۵

پایگاه اطلاع رسانی: www.mokhatabbook.com پست الکترونیک: www.mokhatab200@gmail.com

کانال تلگرامی: @mokhatabbook

مراکز پخش:

تهران خیابان ۱۲ فروردین بین روانمهر و نظری بن بست حقیقت پلاک ۴ واحد ۴ کتاب آوا تلفن: ۰۲۱۶۶۹۷۴۶۴۵

تهران خیابان انقلاب اسلامی خ منیری جاوید (اردیبهشت) خ لباقی نژاد ک درخشان مرکز توزیع کتاب توحید دانش تلفن:

۰۲۱۶۶۴۹۰۲۰۹

مراکز فروش:

تهران خیابان انقلاب اسلامی بازارچه کتاب پلاک ۱۲ انتشارات چاپخش تلفن: ۰۲۱۶۶۴۰۴۱۱۰

تهران میدان انقلاب نبش خیابان منیریه (جاوید) تالار بزرگ کتاب پلاک ۲۲ کتابفروشی آرمان علم تلفن: ۰۲۱۶۶۴۰۶۲۸۷

فهرست

مقدمه	۱۱
بخش اول: بزهکاری اطفال	۱۷
گفتار اول- تعریف طفل بزهکار	۲۰
گفتار دوم- تاریخچه و قواعد سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار	۲۳
الف) مسئولیت کیفری اطفال در جرایم مستوجب حد و قصاص	۳۵
ب) مسئولیت کیفری اطفال در در جرایم تعزیری	۳۷
۱. گروه سنی ۱ تا ۱۲ سال	۳۷
۲. گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال	۳۸
۳. گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال	۳۸
بخش دوم: بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان	۴۷
گفتار اول- اقسام جرایم علیه اطفال و نوجوانان	۴۸
گفتار دوم- قوانین مرتبط با بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان	۵۵
گفتار سوم- قواعد دادرسی حوزه اطفال بزهکار	۷۶
۱. پلیس ویژه اطفال	۷۹
۲. دادسرا و دادگاه اختصاصی اطفال	۸۴
۳. احضار یا جلب	۹۰
۴. قرارهای تأمین کیفری در جرایم اطفال	۹۱
۵. تسریع در رسیدگی	۹۳
۶. ضرورت حضور والدین، سرپرستان قانونی و مشاور حقوقی	۹۴
۷. حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی اطفال	۹۶
۸. حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در دادگاه اطفال	۹۷

۹. تشکیل پرونده شخصیت ۱۰۰
۱۰. غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی ۱۰۳
۱۱. حضوری بودن رأی ۱۰۵
۱۲. رسیدگی توسط قضات آموزش دیده و متخصص ۱۰۶
۱۳. قابلیت تجدیدنظر تصمیمات در مراجع عالی قضایی و صادرکننده رأی ۱۰۷
- بخش سوم: بررسی جرم شناختی جرایم در حوزه اطفال ۱۱۱**
 - گفتار اول- انواع جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان بزهكار ۱۱۲
 ۱. جرائم بر علیه اشخاص ۱۱۳
 ۲. جرائم علیه امرال ۱۱۵
 ۳. جرائم علیه امنیت، آسایش و نظم عمومی ۱۲۰
 - الف- اعتیاد به مواد مخدر ۱۲۲
 - ب- گدائی و ولگردی ۱۲۴
 - ج- فرار دختران ۱۲۶
 - گفتار دوم- عوامل موثر در بزهکاری و بزه‌دیدی اشخاص نوجوانان ۱۳۱
 - گفتار سوم- دیدگاه‌های جرم‌شناسی در حوزه اطفال ۱۴۲
 - الف) بررسی نظریات علت‌شناسی در حوزه جرایم اطفال ۱۴۲
 ۱. نظریه انتخاب عقلانی ۱۴۲
 ۲. نظریه فعالیت روزمره ۱۴۳
 ۳. نظریه یادگیری اجتماعی ۱۴۳
 ۴. نظریه فشار ۱۴۴
 ۵. نظریه خرده فرهنگ بزهکاری ۱۴۵
 ۶. نظریه کنترل اجتماعی ۱۴۵
 ۷. نظریه برچسب زنی ۱۴۷

۸. نظریه خنثی سازی	۱۴۹
۹. نظریه معاشرت‌های ترجیحی	۱۴۹
۱۰. نظریه زیست بوم انسانی	۱۵۰
۱۱. نظریه کنترل-قدرت	۱۵۱
ب) راهکارهای قابل ارائه در باب بزهکاری اطفال	۱۵۱
۱. آموزش	۱۵۱
۲. تخصصی کردن ادگاههای رسیدگی کننده به جرائم اطفال	۱۵۲
۳. سلامت و سایر ارتباطات جمعی	۱۵۴
۴. ایجاد و تجهیز کانونهای اصلاح و تربیت	۱۵۴
نتیجه گیری	۱۶۷
قوانین مربوط به حوزه اطفال	۱۷۱
منابع و مآخذ	۱۷۵

مقدمه

جامعه پیشرفته برپایه سازندگی و براساس عدالت، آزادی و شناخت واقعی حقوق انسان بنیان نهاده می‌شود. اولین عامل موفقیت، توسعه و شکوفایی جامعه پیشرفته برپایه ورزش نونهالانی است که سازندگان واقعی فردای آن جامعه هستند. ما برای ایجاد جامعه‌ای آباد، آزاد و مستقل، نیاز واقعی به تربیت و آگاه ساختن نیروی انسانی داریم. امروز اطفال هستند و فردانیروی فعال را برای پیشبرد هدف‌های مادی و معنوی کشور را تشکیل می‌دهند.

بی‌توجهی به سرنوشت اطفال امروز توسعه و خودکفایی اقتصادی ما را در برنامه‌های آینده به خطر خواهد انداخت.

از لحاظ معنوی آینده این کشور در گرو فرزندان، آگاهی و کوشش اطفالی است که امروز بدون توجه به سرنوشت آنها از کنارش می‌گذریم. نه تنها ما، بلکه سرنوشت آینده جهان به دست این اطفالی است که با بی‌توجهی و بی‌اهمیتی ما، از دست می‌روند.

اینجا تنها بزهکاری یا بزه دیدگی یک طفل مطرح نیست بلکه سرنوشت فردای این کشور مطرح است. پس باید طفل را حمایت نمود. آنهم بیش از هر چیز دیگری، غیر از تامین مادی یعنی تغذیه، مسکن، برخورداری از تفریحات سالم، داشتن مدرسه و آموزش و پرورش صحیح، کودک از لحاظ روانی نیز باید مورد حمایت قرار بگیرد. زیرا احترام به تخیل طفل، اندیشه و احساس، نوآوری و آفرینش و حتی تفکر سیاسی و فلسفی موجب شکوفایی استعداد وی شده و در رشد و شخصیت وی بسیار موثر است و هیچ طفلی بدون رشد شخصیت به

خلافت دست نمی‌یازد و کودکی که خلاق نباشد طبیعتاً نبوغ در آن می‌میرد و زمینه‌ای برای بارور شدن پیدا نمی‌کند. بنابراین از آنجایی که کشور ایران کشور جوانی محسوب می‌شود و اکثر نیروهای انسانی آن را اطفال تشکیل می‌دهند، لذا آینده مملکت به پرورش و شکوفایی استعداد و تربیت صحیح آنها بستگی دارد.

بسمان، جوامع بشری در هر شرایطی به همزیستی مسالمت‌آمیز با هموطنان خود نیازمند هستند. آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیر بنایی و ریشته‌های مختلفی از جمله در مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی و در عین حال تفاوت‌هایی که در معیارهای سنجش ارزش‌ها در حیطه‌های گوناگونی وجود داشته، یک تفق و تفاهم عمومی و جهان شمول استقرار نیافته است. وانگهی، تمام انسان‌ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از ضروری‌ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می‌باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکارناپذیر رشد و ترقی جامعه‌ی انسانی تلقی می‌شود. کودکان و نوجوانان سرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین کننده‌ی سلامت جامعه در آینده است. بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای مبذول داشت. بررسی ریشه‌های مسائل اطفال و از آن جمله بزهکاری اطفال، برای رسیدن به یک جامعه‌ی بدون آن شرطی ضروری است. در واقع از قدیم الایام گفته‌اند، پیشگیری بهتر از درمان است. طبعاً اگر طفلی به هر دلیلی از ابعاد جسمانی، روانی و رفتاری به نقصان و یا انحرافی مبتلا گردد، قهراً بازپروری وی مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت و مضاعفی خواهد بود. از طرف دیگر بسیاری از افرادی که همواره مرتکب جرائم گوناگون می‌شوند، همان کودکان بزهکار یا بزه‌دیده دیروز هستند. از جمله مسائل همیشگی و مطرح نزد اندیشمندان و بالاختص حقوقدانان و جرم‌شناسان، موضوع بزهکاری اطفال و نحوه مقابله با آن و شیوه‌های انحراف و کجروی آن‌ها

در جامعه می‌باشد. از آن جا که دلایل و عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس‌تر و به مراتب آسیب‌پذیرتری نسبت به سایرین می‌باشند، لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود. این روش تحت عنوان سیاست کیفری مربوط به کودکان و نوجوانان بزهکار اهمیت فراوانی دارد. برخورداری از یک سیاست جنائی و کیفری متناسب با شرایط و وضعیت صغار و نوجوانان می‌تواند به جامعه مدنی جهت پیشبرد یکی از اهدافش که پیش‌گیری از وقوع جرائم در آینده است، کمک فراوانی کند.

در واقع، مراقبت از کودکان و نوجوانان به دلیل ساختار جسمی و ذهنی حساس و شکننده‌ای که دارند، مورد توجه مذاهب و ادیان مختلف جوامع بوده‌اند و در جهت رفاه و امنیت آنان اعماله تلاش شده است و در این راستا، نسبت به آنان - که به عنوان آینده‌سازان جامعه یاد می‌شوند، - معمولاً اقدامات حمایتی انجام می‌شود. این در حالی است که بعضاً در همین جوامع که به عنوان حامی و پشتوانه این کودکان می‌باشند محیطی را ساخته‌اند که کودکان نه تنها احساس امنیت و آسایش نمی‌کنند بلکه ترکیب انواع آزار و محدودیت‌ها می‌شوند و علیه آنها اقداماتی صورت می‌گیرد که وجدان عمومی جامعه را به درد می‌آورد. در میان این فضا بعضی از کودکان و نوجوانان را برده‌ایی از این محدودیت‌ها دست به کارهایی می‌زنند که به نوعی در نظر جامعه مجرم بوده و مورد بازخواست و نکوهش قرار می‌گیرند. البته نباید این اقدامات به عنوان جرم معرفی شوند زیرا معمولاً در قوانین حقوقی این اقدامات به بزه معروفند. با این وجود در قواعد و قوانین همواره برای اینگونه اعمال بزهکارانه، مجازات و اقدامات تربیتی و تأدیبی تعیین شده و حتی در این زمینه کمتر به مفهوم کودک بودن آنان توجه شده و همراه با بزرگسالان مورد بازخواست و مجازات قرار می‌گیرند.

جوامع بشری در حال حاضر با افزایش جرایم اطفال و نوجوانان به عنوان یک نگرانی روبه روهستند. در ریشه‌یابی علل این افزایش که از مباحث مورد مطالعه در جرم‌شناسی می‌باشد، به عوامل مختلفی می‌توان اشاره نمود که بی‌توجهی والدین به تربیت فرزندان، اعتیاد یا فساد اخلاقی، طلاق، ضعف مالی، محیط‌های جرم‌زا و عدم برخورد صحیح با کودکان معارض قانون از جمله این موارد می‌باشد.

در نوانین جدید اطفال و نوجوانان بزهکار، اعمال مجازات‌های عقوبتی و پاداش سستی کنه داشته شده، چراکه با مجازات و تنبیه سرسختانه دیگر نمی‌توان از بزهکاری و تکرار جرم اطفال و نوجوانان پیشگیری به عمل آورد و چون هدف تعلیم و تربیت، اصلاح و درمان اطفال و نوجوانان بزهکار است لذا قانونگذار ساختار جدیدی را در کنار مجازات جرایم این گروه تا اعمال واکنش مناسب نسبت به آنان اتخاذ نموده است. در غالب موارد از جایگزین‌های حبس مانند درختکاری، آموزش مهارت‌های زندگی، حضور در مراکز خیریه و ... و دیگر اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده می‌گردد، هرچنین استفاده از نهادهای حقوقی مانند تعلیق تعقیب، تأخیر تعقیب، ترک تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و ... نهایت استفاده به عمل می‌آید.

تحول در دیدگاه‌های کیفری دستاوردهای مهمی در زمینه کیفری اطفال و نوجوانان و حقوق کیفری در پی داشته است. مدنظر قرار دادن شخصیت اطفال و نوجوانان، به وجود آمدن سیاست جنائی افتراقی، ایجاد آتش موثر و مناسب جامعه در بروز جرایم آنان که منجر به تربیت، اصلاح، درمان و بازسازی گردد، از جمله بارزترین دستاوردهایی بوده که شامل اصول و حقوق متعدد رسیدگی ماهوی و شکلی می‌باشد.

لذا نظر به این که بزهکاری کودکان و نوجوانان بیش از هر چیز از سادگی و بی‌تجربگی آنان نشأت می‌گیرد و این قشر آمادگی بیشتری را برای تربیت و دریافت آموزه‌های جدید و تغییر دارند، اتخاذ سیاست جنائی افتراقی ویژه در

مبارزه با بزهکاری آنان امری حیاتی می‌باشد. یکی از موارد این سیاست افتراقی، پیش‌بینی نهاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان است.

البته نباید نادیده گرفت که در دهه‌های اخیر اقدامات قابل توجهی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار برای جلوگیری از مجازات‌های سنگین و اقدامات تأدیبی سخت که در گذشته انجام می‌گرفت از ناحیه سازمان و گروه‌های بین‌المللی حامی کودکان و نوجوانان انجام گرفته است که توانسته است حجم کثیری از این مجازات‌ها را از بین برده تا جایی که اقدامات تربیتی امروزه صرفاً در جهت اصلاح و آموزش و بازگشت به محیط جامعه انجام می‌گیرد. لذا برای نهادهای دولتی تلاش می‌شود تا حدودی نسبت به وضع قوانین و اقدامات حمایتی و «مبوه‌های» وجود در راستای مبارزه با مجازات‌های کودکان و نوجوانان پرداخته شود تا اما نه به نوبه خود اقدامی نه صرفاً به عنوان یک تکلیف، بلکه برای از بین بردن و کاهش عوامل و کیفیتهای سنگین علیه کودکان انجام داده باشیم.

بزهکاری در بین کودکان و نوجوانان همواره وجود داشته، اما از اواخر قرن نوزدهم تخلف و قانون شکنی این گروه در کشورها و بزرگ صنعتی جلب توجه نموده است. مفهوم «بزهکاری» در اوایل قرن بیستم شکل گرفت، تا قبل از آن با متخلفین جوان و مجرمین بزرگسال رفتاری تقریباً یکسان می‌شد. جایگاه ویژه‌ای برای کودکی در طول قرن‌ها و به آهستگی تکوین یافت. بدگ خانواده اولیه شامل رسومی چون اقتدار بی‌چون و چرای پدر و انضباط شدید بدنی بود. از کودکان انتظار می‌رفت که در سن کم نقش‌های بزرگسالانه را بر عهده بگیرند. با ظهور هر نشانه‌ای از عدم اطاعت یا بدرفتاری، کودکان به شدت مجازات می‌شدند. در چنین وضعیتی طبیعی بود که با قانون شکنی آنان با شدت بیشتر برخورد شود. با گذشت زمان و تحول فکر و اندیشه و تغییر در ساختار خانوادگی، همچنین تغییرات نظری در عرصه‌های جرم و بزهکاری، گامهایی در جهت کاهش مسئولیت کودکان در قوانین جزایی برداشته شد و با ایجاد دسته‌بندی مجزا برای بزهکاری، از بزهکاران در برابر تأثیر منفی مجرمان

بزرگسال حمایت گردید. هرگاه خانواده و جامعه نسبت به کودکان و نوجوانان بی توجه و سهل انگار باشند و کودکی به بزهکاری روی آورد و به زندگی ناسالم عادت کند، در بزرگسالی احتمال بازگشت به اجتماع و اصلاح وی تقریباً غیرممکن است. بهمین جهت است که تمام تلاش حقوقدانان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، یافتن نظام قضایی و تربیتی ویژه‌ای برای بزهکاری خردسال و نوجوان است و این تلاش‌ها ارایه راه حل‌ها و الگوهای خاصی برای تربیت و جایگزینی مجازات است که منجر به تصویب مقررات خاصی در قوانین کشورها و قوانین بین‌المللی شده است.

بزهکاری مفهومی است که غالباً در مورد کودکان و نوجوانان به کار نمی‌رود، زیرا بسیاری از رفتارهایی که برای کودکان و نوجوانان به اقتضای سن و ماهیت رفتار، تخلف محسوب می‌شود، در صورت ارتکاب توسط بزرگسالان تخلف شناخته نمی‌شود. بنابراین تمرکز اصلی این متن بر مسئله «بزهکاری کودکان و نوجوانان» است. بزهکاری نه‌تنها به دلیل اهمیت ویژه‌ای که دارد تحت نظارت مجریان قانون، دادگاه‌های اطفال و دستگاه‌های اصلاح و تربیت که در مجموع «نظام دادرسی نوجوانان» را تشکیل می‌دهند، قرار می‌گیرد. آنها ممکن است توسط پلیس بازداشت شوند، پرونده‌هایشان در دادگاه اطفال یا دادگاه خانواده مورد رسیدگی قرار گیرد و به محلی مناسب برای اصلاح کودکان دچار مشکل تأسیس شده است، فرستاده شوند.

امروزه دغدغه مربیان، متخصصین و سیاست‌گزارانی که مسئولان «کودکان امروز، شهروندان فردا» و بقاء، حمایت و توسعه آنان پیش شرطی برای توسعه آینده بشریت است. «تعیین شیوه اصلاح و بازپروری نوجوانان خشن است. هنوز روشن نیست که بزهکاران نوجوانان به برخوردهای ملایم بهتر پاسخ می‌دهند یا به مجازات‌های سخت. از این جهت در این نوشته سعی بر آن شده تا آنجا که مقدور می‌باشد پاسخی برای این مشکل و مشکلاتی دیگر که در مورد بزهکاری‌های اطفال وجود دارد ارائه گردد.